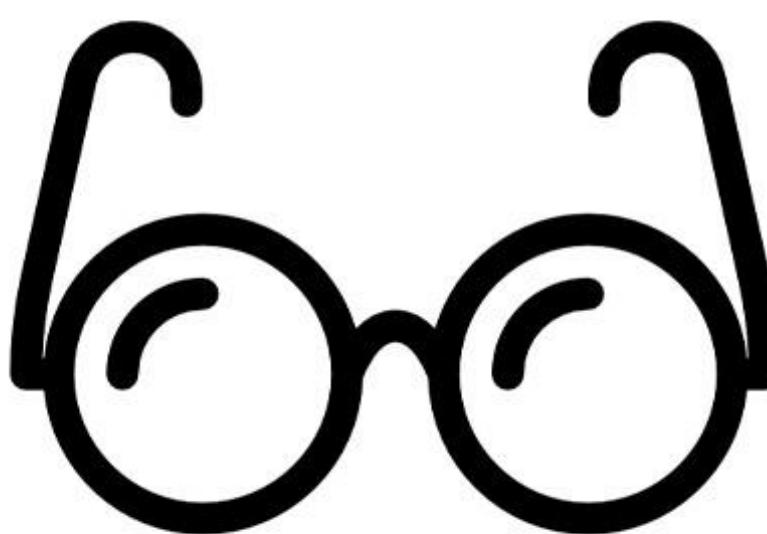


فارسی جامع ۲



بیش از ۵۰ جلد کتاب از ۲۵ انتشارات مختلف، جزو
بیش از ۱۰۰ مدرس برتر کنکور سراسری، بیش از ۱۰۰۰
ساعت فیلم آموزشی کنکور

همه این ها در این کتاب جمع کرده ایم



کاری از
دیجی کنکور

تیم آموزشی دیجی کنکور

درس‌نامه

بخش ۱

موفقیت در پاسخگویی به تست های قربت معنایی مراحلی دارد که در زیر به آن می پردازیم:

۱ اولین گام در این راه دوستی با ادبیات و مفاهیم ادبی است.

(تا وقتی عاشق آب نباشی، شناگر خوبی نمی‌شوی

۲ خوانش صحیح ایيات از نظر تلفظ واژگان و همچنین رعایت آهنگ و وزن شعر
(تکیه‌ها و مکث‌ها)

✓ تلفظ صحیح واژگان: برای نمونه به موارد زیر توجه نمایید:

۱ مهر: محبت و خورشید - مهر: نشان

الف باده پیش آر که از عکس می و مهر رخت / در دلم گویی که صد خورشید تابان
رفته است

ب ب مرا مهر سیه چشمان ز سریرون نخواهد شد / قضای آسمان است این و
دگرگون نخواهد شد

تیم آموزشی دیجی کنکور

ج اگر از شکوه خاموشم نه خرسندی است، می خواهم / که در دیوان محشر مهر از
این طومار بردارم
در بیت اول مهر به معنای خورشید، بیت دوم: محبت و بیت سوم مهر برداشتن یعنی
بازکردن نامهٔ محربمانه

۲ جوی یا جو (جویبار) - جو (گونه‌ای از غلات) - جوی (جستجو کن)

الف بنشین بر لب جوی و گذر عمر بین / کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس

ب از مكافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جوز جو

ج به گفتار پیغمبرت راه جوی / دل از تیرگی‌ها بدین آب شوی

تفاوت معنایی را خودتان بیابید!

۳ به (حرف اضافه) - به (بهتر)

الف نان خود خوردن و نشستن به (بهتر) که کمر زرین بستن و به خدمت ایستادن

ب امید در شب زلفت به روز عمر نبستم / طمع به (حرف اضافه) دوردهانت ز کام دل ببریدم

۴ فعل‌ها و واژه‌های که از مصدر کشتن و کشتن (کاشتن) و همچنین کشیدن ساخته
می‌شوند.

الف به کدام مذهب است این، به کدام ملت است این / که کشند عاشقی را که تو
عاشقم چرایی

ب مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / آدم از کشته خویش آمد و هنگام درو

تیم آموزشی دیجی کنکور

ج نازپرورد تنعم نبرد راه به دوست / عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.

الف) از مصدر کشتن ب) کشتن ج) کشیدن

۵ سر(راز) - سر(اعضای بدن)

الف هان مشونومید چون واقف نهای از سر(راز) غیب / باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور

ب سر(اعضای بدن) آن ندارد امشب که برآید آفتایی / چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

واژه‌های بیشتر:

✓ بد (بود) و بد (زشت)، رفتن و رفتن (جاروب کردن)

✓ نبرد و نبرد (جنگ)، درد و درد (ته‌نشین شراب)

✓ رستم و رستم، شکرو شکر

✓ گرد (دور) و گرد (پهلوان)، گرد

✓ گرم (اگرم) و گرم، انعام (بخشیدن نعمت)، انعام (چهارپایان)

✓ بستان (بوستان) و بستان (بگیر)، منت (بخشیدن)، منت

✓ مه (مهر)، مه (ماه)، ملک (پادشاهی)، ملک (زمین)، ملک (فرشته)، ملک (پادشاه)

تیم آموزشی دیجی کنکور

همچنین تلفظ انواع «ی» در خوانش اشعار و عبارات اهمیت زیادی دارد.

۱) **ی** نزکه (ناشناس) که معنای یک هم می‌دهد.

✓ کودکی از جمله آزادگان / رفت برون با دو سه همزادگان

۲) «ی» جزء خود واژه است.

✓ در این بازار اگر سودیست با درویش خرسند است / خدا یا منعمم گردان به درویشی

و خرسندی

۳) **ی** که به معنای «هستی» می‌آید.

✓ ملکا ذکرت تو گویم که تو پاکی و خدایی / نروم جز به همان ره که توام راهنمایی

✓ گاهی واژه‌های شکل مخفف و درهم ادغام شده می‌آیند به مثال‌های زیر دقت کنید:

این راه را نهایت صورت کجا توان بست؟ / کش صدهزار منزل بیش است در بدایت

در مصروع دوم در واقع کش از که + اش ساخته شده است.

حال به مثال‌های بیشتر توجه کنید:

تسنیع \rightarrow در او

کاخ \rightarrow نبود

زین \rightarrow که او

تبه \rightarrow وای

مندیش \rightarrow به راهی

تیم آموزشی دیجی کنکور

برون \leftrightarrow بیرونشکریست \leftrightarrow شکری استخامش \leftrightarrow خاموشدرین \leftrightarrow در ایننگه \leftrightarrow نگاهآنگه \leftrightarrow آنگاه

انواع که و کاربرد آن در تلفظ تأثیرگذار است.

۱ که گفت برو دست رستم ببند / نبندد مرا دست چرخ بلند

که: چه کسی (ضمیر پرسشی)

۲ اگر تو زخم زنی به که دیگری مرهم / و گرتوز هردهی به که دیگری تریاک

که: از (حرف اضافه)

۳ بیا که چارهٔ ذوق حضور و نظم امور / به فیض بخشی اهل نظر توانی کرد

که: حرف ربط

۴ هر که خواهد که چو حافظ نشود سرگردان / دل به خوبان ندهد وز پی ایشان نرود

که (ضمیر مبهم)

✓ علاوه بر مطالب گفته شده تلفظ واژه‌هایی همچون «مگر»، «تا»، «هم» و حتی «را» در جایگاه‌های مختلف می‌تواند برخوانش صحیح ما مؤثر باشد که در ادامه و حل تست‌ها و نمونه‌ها توضیح داده می‌شود.

تیم آموزشی دیجی کنکور

آهنگ و لحن:

نکته

وزن شعر و اوزان عروضی در رشته انسانی آموخته می‌شود. اما دانش‌آموزان رشته‌های دیگر می‌توانند با گوش دادن به خوانش صحیح اشعار و همچنین خواندن شعر در اوقات فراغت مهارت خود را بالا ببرند، حتی می‌توانید برای استراحت و کمی تنوع اشعار کتاب درسی را با صدای بلند بخوانید و حتی صدای خود را ضبط کنید.

توجه ۸ یادمان باشد هر مهارتی با تمرین و تکرار فراگرفته می‌شود؛ پس زود جانزیم.

نکته

برای بیان صحیح ابیات و اشعار باید بدانیم کجاها مکث کنیم و کجا ادامه دهیم.

توجه ۸ در اشعار موزون فارسی هر مصraع بر اساس وزنش درنگ‌های خاص خود را دارد که خوب‌بختانه می‌توان آنها را به شکل سمعای و با تمرین کسب کرد:

۱ هزار شکر که دیدم، به کام خویشت باز / ز روی صدق و صفا، گشته با دلم دمساز

۲ روی بنما و مرا گو که ز جان دل برگیر / پیش شمع آتش پروانه، بجان، گو در گیر

۳ هم گلستان خیالم، ز تو پرنقش و نگار / هم مشام دلم از، زلف سمن‌سای تو خوش

تیم آموزشی دیجی کنکور

نکته! تلفظ صحیح واژه‌هایی که منادا هستند و نشانه ندایشان حذف شده:

به غفلت عمر شد حافظ، بیا با ما به میخانه / که شنگولان خوشباشت بیاموزند
کاری خوش

نکته! گاهی دو مصراع را با هم پیوسته بخوانیم:

زلف تو مرا عمر دراز است، ولی نیست / در دست سرمئی از آن عمر درازم

گاهی معنای ابیات با ابیات یا بیت بعدی کامل می‌شود که به آنها وابسته معنا یا موقوف‌المعانی می‌گوییم. و در خوانش باید به آن‌ها توجه کرد.

✓ اگر یک لحظه امشب دیر جنبد / سپیده‌دم جهان در خون نشیند

✓ به آتش‌های ترک و خون تازیک / زرود سند تا جیحون نشیند

نکته! در ادبیات فارسی گاهی پرسش‌ها با نیات مختلف پرسیده می‌شود و فقط برای کسب آگاهی نیست مثل پرسش‌های تأکیدی، انکاری، توبیخ و ملامت، اظهار مخالفت و... که البته در این بین پرسش انکاری در کتب درسی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟

تیم آموزشی دیجی کنکور

در پرسش انگاری گوینده جواب را می‌داند و برای تأکید بر انگار موضوعی آن را بیان می‌کند و جواب این پرسش فقط عا منفی است.

۱ علاوه بر مطالب گفته شده دانستن معنای واژه‌ها و غنی بودن گنجینه واژگان در ذهن به فهمیدن معنای اشعار کمک شایانی می‌نماید.

مقاهم پر تکرار و رایج در ادبیات فارسی

۱ در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد / عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد
یکی از مقاهم ادبی ازلی بودن عشق را بیان می‌کند و کل آفرینش را حاصل از عشق می‌داند.

۲ برنامده و گذشته بنیاد مکن / حالی خوش باش و عمر برباد مکن
افتئام فرصت و دم را غنیمت دانستن که در ادبیات معروف به اندیشه خیامی است.
در اشعار شعرای فارسی نمونه‌های زیادی دارد، همچنین دم را به شادی گذراندن در این اشعار مورد توجه قرار گرفته.

۳ سخن عشق تو، بی آنکه برآید به زبانم / رنگ رخساره خبر می‌دهد از حال نهانم
فash شدن عشق عاشق همیشه دغدغه شura بوده که نشان دهنده غوغای درونی یک دل سوخته واقعی است که بی اختیار آشکار می‌شود.

تیم آموزشی دیجی کنکور

بی تو در کلبه گدایی خویش / رنج‌هایی کشیده‌ام که مپرس

جدایی و فراق یار غمی است که همیشه عاشق گرفتار آن است. هجر یار قرین همیشگی داستان عشق در شعر شاعران بوده است.

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم / بدان امیددهم جان که خاک کوی تو باشم عشق اکسیری است که همیشه همراه عاشق واقعی است و هیچگاه او را رهانمی‌کند این همراهی عشق تا پس از مرگ هم گاهی ادامه دارد.

پرستش به مستی است در کیش مهر / برون‌اند زین جرگه هشیارها عقل ناصح همیشگی و مانع عشق ورزی عاشق معرفی شده و با آن سرناسازگاری دارد اما شرعاً پای جلو گذاشته‌اند و حسابی عقل را مورد انتقاد قرار داده‌اند.

بشر ماورای جلالش نیافت / بصر منتهای جمالش نیافت عظمت و بزرگی و جمال و جلال خدا آن قدر نزد شاعران پرنگ بوده که بارها عجز انسان را از درک واقعی خدا بیان داشته‌اند.

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان / ایوان مدائن را آینه عترت دان ناپایداری قدرت پادشاهان در ادب پارسی با مثال‌های شاخص از شاهان و فرمانروایان قدرتمند گذشته همیشه بیان شده تا آدمی به نعمت و مکنت دنیا مغروم نشود و از آن درس بگیرد.

تیم آموزشی دیجی کنکور

❶ پسر نوح با بدان بنشت / خاندان نبوت ش گم شد

دوری از دوستی با رفیقان ناباب و تأثیر آنها از مباحث مهم ادب و شعر است و آن را کیمیای سعادت و مایه خوشبختی دانسته اند.

❷ دیده اهل طمع به نعمت دنیا / پرنشود هم چنان که چاه به شب نم طمع و زیاده خواهی همیشه برای انسان آفت و آسیب داشته و نزد حکما و ادباء مذموم بوده و این مطلب در آینه ادبیات حضوری پرنگ داشته.

توجه ۸ در این قسمت ما فقط مباحث محدودی از ادبیات را ذکر کردیم که صد البته مفاهیم ادبی بسیار بیشتر از این مقدار است. از این به بعد باید چه کار کنیم:

❸ هنگام خواندن متون ادب کتاب درسی سعی کنیم مفهوم کلی درس یا هر یک ادبیات را حدس بزنیم و آن ها را در کتاب درسی یادداشت کنیم. این مفاهیم کلی باید کوتاه باشد مانند: فراق، اغتنام فرصت و...

نکته

این کار به منظم شدن و طبقه بندی شدن ذهن شما کمک می کند.

❹ معنی اشعار کتاب درسی را مطالعه و به ذهن بسپاریم.

❺ به سوالات درس به درس و کلی رابطه معنایی پاسخ دهید. (در ادامه کتاب ارایه شده)

نکته

شاید برخی از اشعاری که در مبحث رابطه معنایی در کنکور سراسری می آید خارج از کتاب باشد. اما با توجه و عمل به مطالبی که از ابتدای گفته شد شما پهلوی می توانید در این قسمت یه قهرمان باشید!



فصل ۱ سال دهم

خداوند آفریننده تمام موجودات جهان است و روزی دهنده موجودات.

تویی رزاق هر پیدا و پنهان / تویی خلاق هر دانا و نادان
ثنا و حمد بی پایان خدارا / که صنعش در وجود آورد ما را
دادار غیب دان و نگه دار آسمان / رزاق بندۀ پرورو خلاق رهنما

وجود خداوند در تمام هستی طوری که هم آشکارا و نهان است.

تیم آموزشی دیجی کنکور

خداوند نعمت سخن را به انسان ارزانی کرده است.

زهی گویان زتو کام و زبانم / تویی هم آشکارا هم نهانم
نهان و آشکارایی تو در دل / همه جایی و بی جایی تو در دل
به نام خداوند جان آفرین / حکیم سخن در زبان آفرین

خداوند فراتراز درک و فهم انسان است و در وهم و خیال نمی‌گنجد.

هر آن وصفی که گوییم بیش از آنی / یقین دارم که بی‌شک جان جانی
بزرگیش ناید به وهم اندرون / نه اندیشه بشناسد که او را که چون

نادانی بنده و دانایی خداوند

نمی‌دانم، نمی‌دانم، الهی / تو دانی و تو دانی، آنچه خواهی
من بی‌کس ندارم این پرو بال / نمی‌دانم تو می‌دانی بگو حال

غورو و خود پسندی و ادعای بی‌همتایی

گفت در این معركه یکتا منم / تاج سر گلبن و صحراء منم
درین این پرده نیلوفری / کیست کند با چو منی همسری؟
بر راستی بال نظر کرد و چنین گفت / امروز همه روی جهان زیر پرماست

تیم آموزشی دیجی کنکور

سرانجام خود پسندی نابودی است و خاموشی

لیک چنان خیره و خاموش ماند / کز همه شیرین سخنی گوش ماند

چو گردن کشید آتش هولناک / به بیچارگی، تن بینداخت خاک

پرهیز از ریاکاری و آنچه نشان می‌دهی همان باش

به زبان دیگر مگو و به دل دیگر مدار، تا گندم نمای جو فروش نباشی

باده نوشی که در او روی و ریایی نبود / بهتر از زهد فروشی که در او روی و ریاست

رسیدگی به حساب و کتاب و اعمال خویشن [حسابوا قبل ان تحاسبوا](#)

واندر همه کار داد خویشن بده که هر که داد خویشن بدهد، از داور مستغنی باشد.

زودگذر بودن غم و شادی و توجه نکردن بیش از حد به غم و شادی گذران دنیا اثر غم و شادی پیش مردمان، برخود پیدا مکن و به هرنیک و بد، زود شادمان و زود اندوهگین مشو.

چه باید نازش و بالش براقبالی و ادب ای / که تا بر هم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی

دعوت به دانش اندوزی

از آموختن ننگ مدار تا ازنگ رسته باشی

تن به جان زنده است و جان زنده به علم / دانش اندوز کان جانت گوهر است

تیم آموزشی دیجی کنکور

تأثیر صدای خوب و موسیقی بر حیوانات و سرزنش انسان به ذوق

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گرذوق نیست تو را کژ طبع جانوری
 جهان پر سمع است و مستی و شور / ولیکن چه بیند در آیینه کور؟

به توجهی به حرف دیگران و تأثیر نداشتن سخن

من گوش استماع ندارم لمن تقول
 فریاد می زند که ببینید و بشنوید / کورو کریم حوصله شرح قصه نیست

تأثیر قضا و قدر و یکه تازی سرنوشت (جبرگرایی)

کبوتری که دگرآشیان نخواهد دید / قضا همی بر دش تا به سوی دانه و دام
 هر آنکه گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام

فصل ۲ سال دهم

قرض و وام و رهایی از عذاب دین

خدای تبارک و تعالی، همه بندگان خود را از عذاب قرض و دین فرج دهاد.

هر قرض که در گردن من بود زنجیر / از خون دل و دیده ادا کردم و رفتم

تیم آموزشی دیجی کنکور

بعد از هر سختی راحتی است و نباید ناامید شد.

به شدتی که از روزگار پیش آید نباید نالید و از فضل و رحمت کردگار جل جلاله و عمنواله، ناامید نباید شد.

دور گردون گردو روزی بر مراد ما نرفت / دائمایکسان نباشد حال دوران غم مخور

همه موجودات ستایش گر خدا هستند و شایسته نیست انسان غافل باشد.

گفتم این شرط آدمیت نیست / مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش
تا کی آخر چو بنفسه سر غفلت در پیش؟ / حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تواضع و دوری از تکبر و ریاکاری

معلم دور نبود. صورتک به رو نداشت. صاد معلم ما بود. آدمی افتاده و صاف طریقت جزاين نیست درویش را / که افکنده دارد، تن خویش را آتش زهد و ریا خرمن دین خواهد سوخت / حافظ این خرقه پشمینه بیندازو برو

جانداشتن حجاب انسانی و منیت در عرفان

آدم در نقشه اش نبود و بهتر که نبود. در پیچ و تاب عرفانی اسلامی، آدم چه کاره بود؟
سجده نتوان کرد برآب حیات / تا نیابم زین تن خاکی نجات

تیم آموزشی دیجی کنکور

دوري از وطن و غربت

اما من می دیدم که خود پیرمرد در این سفرهای هرساله به جستجوی تسلایی می رفت، برای غم غربتی که در شهر به آن دچار می شد.

زین گونه ام که در غم غربت شکیب نیست / گرسنگ شکایت هجران غریب نیست

فصل ۳ سال دهم

بی وفایی معشوق

گفتم ز مهر و رزان رسم وفا بیاموز / گفت از خوب رویان این کار کمتر آید
به خون دل همی مویید و می گفت / بتان را نیست الا بی وفایی

جمع اضداد و هدایتگری عشق و برعکس شدن امور

گفتم که بُوی زلفت گمراه عالم کرد / گفت اگر بدانی هم او ت رهبر آید
دردم از یارست و درمان نیز هم / دل فدای او شد و جان نیز هم

طلب کردن توجه کردن از سوی معشوق و وعده دادن یار

گفتم دل رحیمت کی عزم صلح دارد / گفت امگوی با کس تا وقت آن درآید
خواجو، چویار وعده دیدار داده است / ما برآمید وعده دیدار می رویم